

اسفار اربعه با مقدمه فریده حجتی کرمانی در انتشارات کویر به سال ۱۳۸۰ش. منتشر شده است.

◀ منابع

گنجینه دانشمندان: محمد شریف رازی، قم، چاپخانه پیروز، ۱۳۵۴ش.

سید حامد موسوی



اسفار الانوار...: نوشته میر حامد

حسین موسوی نیشابوری هندی از
دانشوران بزرگ شیعه

کتاب *اسفار الانوار فی ذکر افضل الأسفار* سفرنامه حج و عتبات نویسنده به زبان عربی است که به صورت خطی، در قطع جیبی و با شماره ۳۰۸ در کتابخانه ناصریه شهر لکنهوی هند نگهداری می‌شود. تصویری در قطع رحلی نیز از نسخه یاد شده در کتابخانه مرکز تحقیقات حج در قم موجود است که در تدوین مقاله حاضر از آن بهره‌گیری شده است. نام کتاب در تنها نسخه خطی شناسایی شده، *اسفار الانوار فی ذکر افضل الأسفار* است. برخی با عنوان *اسفار الانوار عن وقائع افضل الاسفار* یا با عنوان *الرحلة المکیة و السوانح السفریة فی حج البیت و زیارة الائمة*

ضمیمه اول، گزارشی از سفر رم و واتیکان و ایتالیا (ص ۱۰۹-۱۹۳)، بخش سوم، سفر چین (ص ۱۹۷-۳۱۱) و بخش چهارم، گزارشی از چندین سفر حج و عمره (ص ۳۱۵-۳۵۱) نویسنده است. او سفر خود را در ذی‌حجه ۱۴۰۲ و شعبان ۱۴۱۲ و ۱۴۱۳ق. گزارش کرده و با توجه به این که سفر نخست او در دوران جنگ تحمیلی عراق با ایران رخ داده، به بازتاب جنگ در عربستان و دیگر کشورهای جهان پرداخته است.

از دیگر ویژگی‌های این سفرنامه، پرداختن به مسائل سیاسی - اجتماعی معاصر ایران و جهان (برای نمونه: ص ۳۲۱-۳۲۲) و آسیب‌شناسی رفتاری حاجیان و مسئولان حج است. (برای نمونه: ص ۳۲۶)

ضمیمه دوم کتاب، سفرنامه حج برادر نویسنده، محمد جواد حجتی کرمانی (زاده ۱۳۱۱ش.) است که او نیز از پژوهشگران حوزه و دانشگاه است. در این ضمیمه، شرح واقعه کشتار حاجیان در جمعه خونین، ششم ذی‌حجه ۱۴۰۷ق. (۱۳۶۶ش.) در سه بخش دیده‌ها، نقل شده‌ها، و علل و پیامدهای فاجعه (ص ۳۵۵-۴۲۱) آمده است. بیان دقیق جزئیات این رخداد همانند شمار تلفات زائران ایرانی و غیر ایرانی و پلیس سعودی بر پایه آمار کشور عربستان (ص ۳۷۲) و بازتاب آن در ایران، از ویژگی‌های این گزارش است.

علیهم السلام^۱ از آن یاد کرده‌اند.

میر حامد حسین بن سید محمد قلی (۱۲۴۶-۱۳۰۶ق.) از دانشوران نامدار هند، نامش مهدی و کنیه‌اش ابوالظفر و به میر حامد حسین مشهور است.^۲ وی به سال ۱۲۴۶ق. در لکنهوی هند زاده شد و همان جا ادبیات را از مفتی سید محمد عباس فراگرفت و پس از آموختن مقدمات و دانش کلام نزد پدرش و مفتی سید محمد قلی، فقه و اصول را از سید حسین بن دلدار علی نقوی، و حکمت و معقول را از سید مرتضی بن سید محمد آموخت.^۳

مولانا سید شرف الدین از نیاکان میر حامد حسین در رویداد یورش دوم مغولان به ایران به دست هلاکو خان به سال ۶۵۴ق. از خراسان به هندوستان رفت و در قصبه کنتور اقامت کرد و بدین ترتیب، نسلی از سادات نیشابوری در هند پدید آمد.^۴ برادران وی سراج حسین و اعجاز حسین و فرزندان ناصر حسین و ذاکر حسین نیز همه دانشوران دین و دارای آثار فراوان بوده‌اند.^۵ این خاندان که نسبش به امامزاده سید محمد محروق، ملقب به مهدی از نوادگان حمزه بن موسی کاظم علیه السلام

می‌رسد،^۶ از آغاز سده سیزدهم ق. کتابخانه‌ای بزرگ را در لکنهوی بنیان گذاشتند که بعدها به «ناصریه» مشهور شد و اکنون بیش از ۳۰/۰۰۰ عنوان کتاب خطی و چاپی نفیس در خود دارد.^۷ میر حامد حسین نگاشته‌هایی بسیار در موضوعات فقهی، کلامی، ادبی و... دارد که *استقصاء الافحام* (ردیه)، *الشریعة الغراء* (فقه)، *شمع و دمع* (شعر فارسی) و *شوارق النصوص* (کلام) از آن جمله‌اند.^۸ او را از بزرگ‌ترین متکلمان و دانشوران شیعه در آغاز سده چهاردهم ق. دانسته‌اند و نامداری او بیشتر به سبب نگارش کتاب *عقبات الانوار فی امامة الائمة الاطهار* است. وی *عقبات الانوار* را که تا پیش از *الغدیر بزرگ‌ترین* کتاب شیعه در دفاع از امامت و ولایت^۹ بوده و نویسنده *الغدیر* نیز فراوان از آن بهره برده است^{۱۰}، در رد کتاب *تحفة اثناعشریه* نوشت که بر ضد شیعه و نوشته مولوی عبدالعزیز دهلوی (م. ۱۲۳۹ق.) است.^{۱۱} پس از انتشار *عقبات*،

۶. دائرة المعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۷. نفتح الازهار، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ صحیفة المکتبه، ش ۲، ص ۱۷، «عرض موجز عن الجمهورية الهندیة»، گزارش سفر

علامه امینی به هند در سال ۱۲۸۰ق.

۸. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ مرآة الکتب،

ص ۴۶۹؛ الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۹. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۷.

۱۰. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

۱۱. الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۷.

۱۲. عقبات الانوار، ص ۷.

۱. الذریعه، ج ۲، ص ۶۰؛ اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۱.

۲. مرآة الکتب، ص ۴۶۶.

۳. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۷.

۴. عقبات الانوار، ص ۲۰-۲۱، «مقدمه».

۵. میر حامد حسین، ص ۱۳۲-۱۳۳.

کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های هند، حجاز، عراق و ایران، از این سفرنامه اثری مهم ساخته است.

سفرنامه فصل‌بندی نشده و نویسنده یادداشت‌هایش را با تاریخ هر روز متمایز کرده است. می‌توان این اثر را به چهار بخش هند، مسیر حجاز، حجاز، و عتبات قسمت کرد. نویسنده در بعضی از روزها فرصت نوشتن نداشته، اما چنان‌که از برخی تصریحات وی پیدا است، همه متن سفرنامه را در دوران سفر نگاشته است. (ص ۹۱)

اگر این نسخه تنها متن موجود کتاب باشد، از آن‌جا که سه خط متفاوت در آن دیده می‌شود، این احتمال وجود دارد که نویسنده یادداشت‌های آغازین خود را در اختیار کاتبان قرار داده تا کتاب را تحریر کنند. نیز شاید بر پایه یادداشت‌های خود، متنی را بر کاتبان املا نموده و آن‌ها ثبت کرده‌اند. بر پایه یادداشتی کوتاه که در برگ‌های آغازین و پیش از متن سفرنامه به چشم می‌خورد، این نسخه را میر فضل شاه و میرزا علی تحریر کرده‌اند.

متن سفرنامه عربی است؛ اما به علت رواج دو زبان اردو و انگلیسی در هند و فارسی‌زبان بودن نگارنده، واژگان گوناگون از زبان‌های دیگر در متن سفرنامه راه یافته‌اند؛ همچون: «تیکت» (ص ۹۶)، «سیکن کلاس» (ص ۹۹)، «بالیوز» (ص ۱۸۸)، «داک» (ص ۷۱)

دانشوران و مراجع بزرگ همچون میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ)، حاج میرزا حسین نوری، و شیخ زین العابدین مازندرانی از آن قدردانی کردند و ستایش‌نامه‌هایی بر کتاب نوشتند.^۱ میر حامد حسین سرانجام در ۱۸ صفر ۱۳۰۶ق. در لکنهو در گذشت و در حسینیه خودش «غفران مآب» به خاک سپرده شد.^۲

نویسنده به سال ۱۲۸۲ق. با برادرش اعجاز حسین، برادرزاده‌اش کرامت حسین فرزند سراج حسین (ص ۳۲۵) و گروهی دیگر به حج رفته و رخدادهای سفر خود را در حدود ۳۸۰ صفحه نگاشته است. وی که گویا در آن روزها در حال نگارش *عبقات الانوار* بوده، در این سفر نیز از هیچ فرصتی برای یافتن و گردآوری کتاب‌ها و مطالب مورد نیاز خود چشم‌پوشیده و بخش عمده‌ای از مطالب سفرنامه را نیز به شرح این جست‌وجوها اختصاص داده است. ردّ و بدل شدن نامه‌های فراوان میان نویسنده و دوستان و آشنایان، اظهار نظر صریح وی درباره برخی افراد مشهور یا ناشناخته، شرح دیدارهایش با دانشوران و مسئولان شهرها و کشورهای گوناگون و گزارش‌های سودمند او از وضع

۱. میر حامد حسین، ص ۱۴۲.

۲. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۱؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۱۴۴، «عبقات الانوار».

و «اوباش» (ص ۹۹) با آن که نویسنده سفرنامه خود را با تاریخ قمری تدوین و مسافت‌ها را با شماره روزهای سپری شده تعیین کرده است، در برخی از صفحات در کنار تاریخ قمری از تاریخ میلادی (ص ۶۵، ۶۷) و برای مسافت از واحد «میل» انگلیسی (ص ۴۵، ۶۷) نیز بهره برده است.

با آن که آگاهی‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی فراوان در سفرنامه به چشم می‌خورد، متن آن‌گاه کاملاً شخصی است و اخبار کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت بسیار را می‌توان در آن دید. برای مثال، نویسنده چند بار خواب‌هایی را که دیده، گزارش کرده (ص ۱۸۵-۱۸۶) و چند بار نیز از احتلام خود سخن گفته است. (ص ۶۶، ۹۱، ۹۴) از نکات شایان توجه این سفرنامه آن است که بر خلاف سفرنامه‌های معمول، از تعدی راهزنان در آن خبری نیست و نویسنده تنها از بدخلقی شترداران و درشکه‌داران و بی‌مهری آنان با مسافران، بارها شکوه کرده است. (ص ۲۴-۲۵، ۵۴، ۲۲۰ و...)

◀ **بخش نخست:** نویسنده و همراهانش ۲۲ جمادی الاولی از لکنهو به بمبئی (ص ۲، ۱۰۰) رفته‌اند. وی مطالب این بخش از سفر را در ۱۵۸ صفحه ثبت کرده است. آن‌ها بخشی از مسیر را با درشکه، قسمتی را با قایق و مسافتی دیگر را با قطار پیموده و پس از ۴۱ روز به بمبئی رسیده‌اند. در این بخش، مطالب

فراوان به چشم می‌خورد؛ از جمله کیفیت و کرایه وسایل نقلیه، مسافت و چگونگی راه، برخوردها و دیدارها، مراجعات نویسنده به کتابفروشی‌ها و چاپخانه‌ها (ص ۱۱۴، ۱۳۱)، بیماری اعجاز حسین و عیادت شخصیت‌ها از او (ص ۱۵۱) و این‌که برای مثال، این شهر اداره پست ندارد و آن شهر آب تمیز و فراوان دارد. وی در این بخش همچنین به نامه‌نگاری‌اش با هملتن، حاکم کمبیزدهلی اشاره و او را صاحب مکارم و افتخارات و فردی بی‌مانند در میان امثال خود (ص ۵) معرفی کرده است. همچنین آن‌گاه که برای تصدیق «مختارنامه» به دفتر حاکم کلکته رفته، او را هوشیار و مدیری آشنا به قواعد یافته است. (ص ۷)

◀ **بخش دوم:** نگارنده این بخش را در ۳۱ صفحه سامان داده است. آن‌ها پس از یک ماه معطلی برای تهیه کشتی، روز ۲۷ شعبان با کشتی دُخانی (بخار) و با کرایه ۱۰۰ روپیه برای هر تن، به قصد جده حرکت کرده (ص ۱۵۷، ۱۵۹)، پنجم رمضان به بندر عدن (ص ۱۶۵) و ۱۰ روز بعد به جده رسیده‌اند. (ص ۱۸۳) آنان در آغاز قصد مدینه داشته‌اند (ص ۱۸۱)؛ اما به علت ناامن بودن مسیر در پی وقوع درگیری (ص ۱۸۴) و پس از مشورت با کسی که گویا سفیر عثمانی در جده بوده (ص ۱۸۸-۱۸۹) منصرف گشته، عزم مکه

جده، نواب تهور جنگ به دیدار وی آمده است. (ص ۱۸۴)

◀ **بخش سوم:** نویسنده ۹۰ صفحه از سفرنامه را به این بخش اختصاص داده و در آن گزارش‌هایی دقیق از وضع حرمین، قبور و مکان‌های مذهبی - تاریخی، کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها ارائه کرده است. حضور وی در نماز جماعت اهل سنت در مسجدالحرام، از نکات شایان توجه این بخش است. (ص ۲۰۷)

نویسنده در مکه بیشتر وقت خود را در کتابخانه حرم گذرانده و تنها در روزهای تعطیل این فرصت را از دست داده است. (ص ۲۰۸-۲۰۷)

وی کتاب‌های بسیار از جمله *عجالة الراكب* (ص ۱۹۷)، *السراج المنیر*، شرح *الجامع الصغیر* و *تنبيه الغافلین* (ص ۱۹۸) را در این کتابخانه دیده و مطالب فراوان را در موضوعات گوناگون از آن‌ها یادداشت نموده است. او به نابودی بیشتر نسخه‌های خطی نفیس و مهم کتابخانه حرم بر اثر سیل اشاره کرده و عمده کتاب‌های موجود را جدید دانسته است. (ص ۲۱۰)

نگارنده در ادامه، به دیداری با همراهی دوستش میرزا محمد هادی از مسجدی در بیرون مکه، گورستان ابوطالب، پرداخته که قبرهای عبد مناف و عبدالمطلب در آن قرار دارند. (ص ۲۰۳-۲۰۴)

به گفته وی، این دو قبر را میرزا جعفر علی متخلص به میرزا فصیح، پدر میرزا محمد هادی یاد شده، از

کرده‌اند. (ص ۱۹۱) سفیر او را بسیار گرامی داشته و سفارش‌نامه‌ای نیز به دو زبان ترکی و عربی، خطاب به شریف مکه نوشته و به وی سپرده است. (ص ۱۹۰)

نگارنده در این جا تذکر داده که شایسته است شخص پیش از انجام اعمال حج تمتع، عمره مفرده بگذارد تا با واجبات حج آشنا شود و هنگام روبه‌رو شدن با مکان‌ها و مشاعر، دچار مشکل نگردد، به خصوص که مطوفین اعتنای چندان به امور حاجیان ندارند و نباید به آن‌ها اعتماد کرد. (ص ۱۹۳-۱۹۴)

وی در مسیر مکه از حدیبیه و در آن‌جا از مسجدی به نام شمیی یاد کرده که گویا آن را تازه ساخته بوده‌اند. آن‌ها بدون توقف راه سپرده و ۲۲ رمضان به مکه رسیده‌اند. (ص ۱۹۲)

از مطالب مهم این بخش، آگاهی‌هایی است که نویسنده درباره سید علوی بن عیدروس ارائه می‌کند. نویسنده که به قصد دیدن این شخص در عدن به خانه‌اش رفته و به دیدارش توفیق نیافته، در آغاز او را از «مشاهیر عرفا»ی آن سرزمین دانسته و سپس هنگامی که سید علوی کسی را برای عذرخواهی به سراغش فرستاده، از همان فرستاده شنیده که بن عیدروس ماهانه ۱۲۰۰ روپیه از «حکام فرنگی» دریافت می‌کند تا مردم را به اطاعت فرابخواند و به مخالفت برنیزد. (ص ۱۷۳-۱۷۴)

همچنین در مدت توقف نگارنده در

سرمایه مرحوم سید ناصر علی هندی احیا کرده و مسجد را نیز وی ساخته است. وی افزوده است که مردم مکه از آنجا که این دو تن را مسلمان نمی‌دانند، اعتنایی به قبر آنها ندارند. (ص ۲۰۴)

نگارنده روز ۲۹ شوال با شتری که ۲۴ ریال کرایه کرد، همراه کاروانی عازم مدینه شده و برادرش بر اثر بیماری در مکه مانده است. (ص ۲۱۳) وی در مدینه بارها به کتابخانه حرم پیامبر ﷺ رفته (ص ۲۳۲، ۲۴۸-۲۴۹) و آنجا را به مراتب بهتر و زیباتر از کتابخانه مکه و دارای کتاب‌های کمیاب، گرانسنگ و سودمند یافته است. متولیان کتابخانه را نیز خوش برخورد و دارای اخلاق پسندیده شمرده که بر خلاف متولیان کتابخانه مسجدالحرام، تنگ‌نظر نبوده و با ملاحظت رفتار می‌کرده‌اند.

(ص ۲۴۱-۲۴۲) اما از بدرفتاری خادمان حرم دلی پرخون داشته و دو نمونه از آزارهای آنان را بیان کرده است: یک بار که کنار قبر حضرت زهرا ﷺ در حال گریستن بوده، یکی از خادمان به اجبار مانع گریه وی شده است. (ص ۲۳۲) بار دوم در حالی که به ضریح ایشان نزدیک بوده، خادمی از وی پول می‌خواهد و از آنجا که در آن لحظه پولی با خود نداشته، او را از روضه بیرون می‌کند.

(ص ۲۳۹)

وی همچنین گزارشی دقیق از وضع بقیع

داده است. قبور ائمه علیهم‌السلام، عباس، عقیل، عبدالله بن جعفر، ابراهیم پسر رسول خدا، حارث، حلیمه، عاتکه و صفیه را دارای قبه و بارگاه شمرده و گفته است که با پرداخت پنج قروش موفق به زیارت آنها شده است. بالای در این بارگاه تنها اسم عباس نوشته شده و به ائمه چهارگانه فقط با عنوان «اهل البیت» اشاره کرده‌اند. (ص ۲۳۴-۲۳۵) در بارگاهی که آرامگاه عباس و امامان قرار داشته، قبر عباس به گونه مستقل دارای ضریحی بزرگ بوده و قبور چهار امام علیهم‌السلام زیر یک قبه قرار داشته است. (ص ۲۳۶) از تزئینات و نشانه‌های عمارت در این بارگاه خبری نبوده (ص ۲۳۷) و نویسنده همین وضع را باعث خضوع و خشوع و توجه بیشتر انسان هنگام زیارت دانسته است. (ص ۲۳۸)

چنان‌که نگارنده گزارش داده، در بقیع، دست کم در روزی که وی به زیارت رفته است، بر خلاف حرم حضرت رسول ﷺ، بسیاری از زائران در حال گریستن و خواندن زیارتنامه بوده و خادمان مزاحم آنها نمی‌شده‌اند. خود نویسنده و تنی چند نیز با صدای بلند گریسته و زیارت جامعه خوانده‌اند و بر خلاف انتظارشان کسی مزاحم آنها نشده است. (ص ۲۳۶)

وی مسجد قبا، خانه حضرت علی علیه‌السلام و خانه امام صادق علیه‌السلام را نیز زیارت نموده و قبر

سنت روز هفتم را هشتم ذی حجه اعلام کرده، از مکه بیرون شده‌اند و شیعیان نیز که نمی‌توانسته‌اند تا روز ترویبه صبر کنند، ناگزیر همان روز پس از نماز مغرب و عشاء احرام بسته، به منا رفته‌اند. (ص ۲۷۵-۲۷۶) وی مراحل بعدی حج خود را به گونه خلاصه گزارش کرده (ص ۲۷۷-۲۷۸) و در پایان به وضع اسفناک منا و هوای سخت آلوده آن اشاره نموده است. به گفته او، با آن که حکومت شریف عبدالله بن محمد^۱ درباره نظافت منا تبلیغ و تأکید فراوان می‌کرده، کثرت قربانی، ازدحام جمعیت و محدودیت مکان و بوی مشمئزکننده لاشه‌های حیوانات ذبح شده وضعی تحمل‌ناپذیر پدید آورده‌اند، به گونه‌ای که وی و چند تن از حاجیان پس از بازگشت به مکه بیمار شده‌اند. (ص ۲۷۹)

◀ **بخش چهارم:** نویسنده و همراهانش ۲۵ ذی حجه مکه را به قصد جده ترک کرده و پس از دو روز وارد جده شده و برای سفر به عتبات آماده گشته‌اند. (ص ۲۸۱) آن‌ها از طریق دریا (ص ۲۸۸) به مسقط (ص ۲۹۹)، بندر بوشهر (ص ۳۱۳) و از آن‌جا به بصره (ص ۳۲۱)، کاظمین (ص ۳۲۵)، سامرا (ص ۳۲۷-۳۲۸) و سپس کربلا (ص ۳۳۵) و نجف (ص ۳۵۵) رفته‌اند. نویسنده در هر یک از این شهرها چندی اقامت کرده و بیشتر به

اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام را دارای قبه‌ای بزرگ شمرده که در سمت شرقی آن خانه‌ای منسوب به امام صادق علیه السلام قرار دارد. (ص ۲۶۱) تقسیم جاروهای متبرک شده درون ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم حاضر در حرم نیز از دیده‌های توجه‌برانگیز نگارنده است. (ص ۲۴۵) او درباره خبر بازگرداندن فدک به سادات که در هند شنیده بوده، از یکی از سادات مدینه سؤال کرده و پاسخ شنیده که فدک همچنان در دست حکومت است. (ص ۲۴۷)

مؤلف در ۲۰ ذی قعدة به سوی مکه حرکت کرده و پس از محرم شدن در مسجد شجره، شگفت‌زده شده که گروهی از اهل سنت از مدینه احرام بسته و گروهی نیز بدون احرام از شجره عبور کرده‌اند تا شاید در رابع محرم شوند. وی علت را این‌گونه بیان کرده که شترداران هنگام محرم شدن حاجیان، کاروان را متوقف نمی‌کنند و به راهشان ادامه می‌دهند و بسیاری از حاجیان نیز از هراس جا ماندن از کاروان، از احرام در مسجد شجره چشم می‌پوشند. او آن‌گاه که مسجد شجره را بدون سقف دیده، از وضع نامناسب این میقات مشترک شیعه و اهل سنت متأسف شده است. (ص ۲۶۱-۲۶۳)

نویسنده در سوم ذی حجه به مکه رسیده (ص ۲۷۴) و آگاهی یافته که در تعیین آغاز ماه اختلاف وجود دارد. در پی این اختلاف، اهل

۱. تاریخ مکه، ص ۶۲۸، ۶۳۱.

دیدار با دانشوران و خرید کتاب پرداخته است. (ص ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۵۶، ۳۵۸ و...) وی سفرنامه را تا بازگشت از نجف به کربلا نگاشته و بر این اساس، سفر حج او از هند تا مکه و مدینه، شش ماه و با احتساب سفر عتبات، حدود ۱۴ ماه به طول انجامیده است.

در طول سفر، او ارتباط خود را با خانواده و دوستان از طریق ارسال و دریافت نامه‌های فراوان حفظ کرده (ص ۱۳۰ و...) و در یکی از همین نامه‌ها دریافته که سید حسین، پسر دو ساله‌اش، همچون دو فرزند دیگرش در گذشته و از این خبر سخت اندوهگین شده است. (ص ۳۲۹-۳۳۰) وی همچنین متن برخی از نامه‌ها، گاه فارسی و گاه عربی، را که از شخصیت‌های مشهور به او یا برادرش می‌رسیده، همراه پاسخ آن‌ها آورده است. (ص ۱۰۹، ۱۱۸، ۳۵۷) محتوای این نامه‌ها بیشتر احوال‌پرسی، آرزوی سلامت برای نویسنده و به ویژه برادر دانشمند وی و پرسش از چگونگی سفر و محل اسکان ایشان است. نامه‌ها و نیز پاسخ آن‌ها با عباراتی مُطنطن، پر طمطراق و مسجع نوشته شده‌اند.

این سفرنامه تاکنون به صورت دست‌نویس باقی مانده و منتشر نشده است. گزارشی سودمند از آن در مجله میقات حج^۱

۱. میقات حج، ش ۱۴، ص ۱۵۴-۱۷۲، «سیری در سفرنامه حج مرحوم صاحب عیقات الانوار».

انتشار یافته که ترجمه صفحاتی از کتاب را نیز در بر دارد.

◀ منابع

اعیان الشیعه: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، به کوشش حسن الامین، بیروت، دار التعارف؛ تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ دائرة المعارف تشیع: زیر نظر سید جوادی و دیگران، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ق؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ صحیفة المکتبه: نجف، مکتبه الامام امیر المؤمنین؛ طبقات اعلام الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، به کوشش طباطبایی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق؛ عیقات الانوار: سید حامد حسین اللکهنوی (م. ۱۳۰۶ق.)، به کوشش مولانا بروجردی، قم، محقق، ۱۴۰۴ق؛ الغدیر: الامینی (م. ۱۳۹۰ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش؛ مرآة الکتب: علی بن موسی التبریزی (م. ۱۳۳۰ق.)، الحائری، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۱۴ق؛ میر حامد حسین: محمد رضا حکیمی، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نفعات الازهار فی خلاصة عیقات الانوار: سید علی الحسینی المیلانی، مؤلف، ۱۴۱۴ق.

سید محسن طاهری

